



بیشترین حجره‌های بازار قیصریه هنوز هم در اختیار اقلام سنتی است



گیاهی اطلاعات بسیار همراه با جزئیات کامل دارد. به عقیده او هیچ چیز به اندازه داروهای گیاهی بیماری‌ها را بهبود نمی‌بخشد. در میان سخنان شیرینش کار مشتری‌ها را با فرزی تمام‌راه می‌اندازد و از چرتکه رنگ پریده خود برای حساب و کتاب استفاده می‌کند. بوی عطر گل سرخ، لیمو عمانی، هل و ادویه‌های متفاوت دکان را پر کرده است. حاج روح‌الله معتقد است قدیم‌ها مردم بیشتر به عطاری و داروهای گیاهی توجه نشان می‌دادند و گویی سالم‌تر هم بودند باز جای شکرش باقی است به تازگی مردم دوباره رو به سبک زندگی سالم و استفاده از دمنوش‌ها و داروهای گیاهی آورده‌اند.

او هر روز صبح زود با ذکر بسم‌الله کرکره دکان را بالا داده و جلو حجره را برای برکت بیشتر آب‌پاشی می‌کند. با دقت هر چه تمام‌تر کیسه‌های ادویه و دیگر مواد مرتب کرده و در آینه کوچک آویزان به دیوار خود را برانداز می‌کند تا کار برای خلق خدا را شروع کند. حاج روح‌الله درباره علاقه‌اش به اصفهان این گونه می‌گوید: اگر روزی بیايد و چشمم به گنبدهای فیروزه‌ای میدان نیفتد گویی روزم روز نمی‌شود. بعد از این همه سال کار کردن در میدان نقش جهان همچنان این فضا برایم تازگی خود را دارد. جلوه مسجد شیخ لطف‌الله و کاخ عالی‌قاپو تصویری است که روزانه برایم تکرار می‌شود و همواره برایم سحرانگیز است. بی‌جا نیست که خاقانی شاعر معروف ایرانی درباره اصفهان این گونه سروده است:

شهری روشن چو فکر دانا/ در وی همه کائنات پیدا

چون عارض دوست از نکویی / در وی همه آرزو که جویی...

حاج روح‌الله علاقه‌مندان درباره پسرش که همراه خود در راه‌اندازی کار مشتریان پدر را یاری می‌رساند به نیکی صحبت می‌کند. پسر حاج روح‌الله به تجارت داروهای گیاهی به کشورهای دیگر هم می‌پردازد اما کار در حجره کنار پدر را کنار نگذاشته است. به گفته پسرش دعای خیر پدرم پشت سرم بوده که به اینجا رسیده‌ام و دست پدر را می‌بوسد و بر چشمان خود می‌گذارد. حاج روح‌الله با دستان لرزانش کیسه دارچین را جابه‌جا می‌کند. صدای اذان از مسجد بازار به گوش می‌رسد. حاج روح‌الله زیر لب ذکر می‌گوید و آستین‌ها را به بالا تا می‌زند. کیسه ادویه را جلوی ورودی حجره می‌گذارد و آرام رهسپار مسجد می‌شود. رسمی قدیمی در بازار اصفهان که بیشتر دکان‌دارها با خیال راحت حجره خود را رها کرده و به سمت مسجد برای برپایی نماز جماعت رهسپار می‌شوند. حاج روح‌الله در حوض میان مسجد قدیمی بازار وضو می‌گیرد و برای نماز ظهر آماده می‌شود.

بازار قیصریه چندین و چند راسته، تیمچه و مسجد دارد



به گفته استاد ۶۰ ساله می‌شود که در این حجره مشغول به کار است و هیچ تفاوتی از لحاظ ظاهری در تیمچه و حجره نمی‌بیند به غیر از پنجره‌ها که جدید شده است. استاد ترکی ادامه می‌دهد: در روزگاران گذشته در بازار قیصریه بیشتر دکان دارها به فروش پارچه و فرش‌های گرانبها و زرباف می‌پرداختند. بیشتر کالاهای لوکس در بازار قیصریه به فروش می‌رسید و به خاطر اینکه این بازار بیشتر توسط بازرگانان ثروتمند ساخته شده است نسبت به بازارهای دیگر از ویژگی‌های معماری و تزئینات باشکوه‌تر و غنی‌تری برخوردار است. شاید به همین علت به این بازار، بازار شاهی یا قیصریه گفته می‌شود. قدیمی‌ها به تیمچه ملک‌التجار کاروانسرای شاهی هم می‌گفتند؛ چرا که در گذشته این محل، کاروانسرای برای مدیریت راسته‌ها نیز بوده است.

استاد ترکی درباره شیوه کارش توضیح می‌دهد: با استفاده از قالب‌های متنوع که هر یک نقش و نگار زیبا و دلنشینی دارند، نقش‌اندازی روی پارچه انجام می‌شود که این نقوش عموماً از گل و مرغ، گل‌های چندپر، نقاشی‌های عامیانه و اساطیری و... تشکیل می‌شود. پس از آن شروع به رنگ‌آمیزی آن‌ها با رنگ‌های متنوع می‌کنیم. استاد ترکی لبخندی می‌زند و می‌گوید: در ایام گذشته از رنگ‌های طبیعی که از گیاهان بدست می‌آمد مثل پوست پیاز، روناس، پوست انار، عناب، زردچوبه، پوست گردو و... استفاده می‌شد اما اکنون بیشتر از رنگ‌های شیمیایی استفاده می‌شود. در نهایت برای تثبیت رنگ پارچه‌های رنگ‌آمیزی شده قلمکار، آن‌ها را درون پاتیل‌های بزرگ آب جوش ریخته و می‌جوشانند.

استاد ترکی غرق در هنرنمایی خود زیر لب ترانه‌ای قدیمی می‌خواند و به کار خود ادامه می‌دهد.



از بازار قیصریه که چند قدم بیرون آبی به بازار دیگری پا می‌گذاری غرق در بوی ادویه‌های متفاوت، بوی خوش دود اسپند و صدای درشکه‌چی‌ها. در حجره‌ای مرتب که همه چیز با نظم تمام چیده شده است، مردی میانسال در پشت دحل خود نشسته است. نامش حاج روح‌الله علاقه‌مندان است، از قدیمی‌های بازار اصفهان. هر کس از جلو حجره‌اش عبور می‌کند، سلام و عرض ادبی تحویل او می‌دهد. همه بازاریان او را می‌شناسند. حاج روح‌الله ۶۲ ساله می‌شود که به شغل عطاری در بازار مشغول است. دیپلم علوم طبی و سنتی قدیم دارد. درباره داروهای



در روزگاران گذشته در بازار قیصریه بیشتر دکان دارها به فروش پارچه و فرش‌های گرانبها و زرباف می‌پرداختند. به خاطر اینکه این بازار بیشتر توسط بازرگانان ثروتمند ساخته شده است نسبت به بازارهای دیگر از ویژگی‌های معماری و تزئینات باشکوه‌تر و غنی‌تری برخوردار است